

دهه علیه «بی بی»

صفحه ۱۱



جانشین فرمانده کل انتظامی کشور:

تیراندازی در هراسم

رسم نیست، جرم است

صفحه ۶



چگونه تورم بر گزاری کریسمس را نیز در ایران گران تر از سال های قبل کرد

کریسمس نجومی

صفحه ۱۰



بررسی عملکرد چهار بازیکنی که به تیم ملی فوتبال ایران دعوت نشدند

در سرقلعه نویی

چه می گذرد؟

صفحه ۵



اسپر

سه شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲
۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۵
۲ ژانویه ۲۰۲۴
سال نوزدهم
شماره ۵۵۶۹
۱۲ صفحه
۵۰۰۰ تومان

تداوم تعطیلی پنجشنبه و عقب ماندگی ۴ روزه اقتصاد ایران از

الگوی بین المللی

معادله تجارت و تعطیلی

گروه اقتصاد – سال ۸۷ بود که بسیاری از کشورهای اسلامی، به خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس در اقدامی واحد و مشترک، روزهای تعطیلات پایان هفته خود را از «پنج‌شنبه و جمعه» به «جمعه و شنبه» تغییر دادند. حتی به تازگی امارات متحده عربی نیز این هماهنگی تعطیلات را با دنیا انجام داده و حتی زمزمه‌هایی مبنی بر پیوستن عربستان نیز به این جرگه به گوش می‌رسد. گویی این کشورها نیک‌دیده‌اند، که برای همراهی با چرخ پیشرفت و توسعه که در وهله اول باعث بقای خودشان خواهد بود، باید با تعاملات و مراودات بین‌المللی و منطقه‌های هماهنگ شوند نه جا ماندن در تفکرات متعصبانه و بی‌سرنجام، مسیری که متأسفانه ایران، در بسیاری از موارد خلاف جهت همتایان اسلامی خود در منطقه پیمود.

مساله تعطیلات آخر هفته، ۱۱ سال بعد از سایر کشورهای اسلامی، در آبان سال ۹۸، تازه توسط کمیسیون اجتماعی مجلس تصویب شد. البته این طرح توسط دولت وقت پذیرفته نشد و عمر مجلس دهم نیز کفاف رسیدگی به آن را نداد. در پایان ماه خرداد ۱۴۰۲، کمیسیون اجتماعی مجلس، با اعمال اصلاحات، به تعطیلی روزهای شنبه و کاهش ساعات کار اداری از ۴۴ ساعت به ۴۰ ساعت در هفته رأی داد.هدف اصلی این تغییرات، تقویت ارتباطات با بازارهای جهانی و منطقه‌ای و جلوگیری از ضایعات زمانی در حوزه تجارت بود. در بحث انتخاب روز مرخصی آخر هفته، اختلافات نظری در کمیسیون اجتماعی به چشم می‌خورد. همان روزها، ولی اسماعیلی نماینده گرمی و نایب رییس این کمیسیون در مصاحبه با عصر ایران مدعی شد که مجلس برای بررسی جدی‌تر و اجرای این طرح منتظر نظر شورای فقهی قم است، اما ابراز امیدواری کرد این رای طرح بیاورد و از سال ۱۴۰۳ اجرائی شود. اما چرا طرحی که الزامات گسترده اقتصادی دارد باید تحت نظر فقهای قم تصویب و اجرایی شود؟

شرح در صفحه ۴

یادداشت

کمای شجاعت

عبدالله دارابی

امیر قلعه‌نویی در اوان مریی گری زیرک بود و شجاع و این ۲ خصلت، نوید یکی مریی خوب و تاثیرگذار را به فوتبال ما می داد، اما هرچه تجربه اش بیشتر شد شجاعتش رو به کاهش گرایید! قلعه نویی در ۲ مقطع سکندار تیم ملی فوتبال ایران شد و در هر ۲ نوبت به خاطر شرایط، بخت موافق جوان گرایی و تغییر نسل همراه او گشت؛ یکی در دوره جوانی مریی گری و دیگری در زمان پرتجربگی، ولی به رغم انتظاری که از وی می رفت چندان وضعی به آن ننهاد به ویژه و نمایان تر در این دوره که فوتبال ما بیشتر نیاز به تغییر نسل را احساس می کند.

اولین مساله‌ای که در لیست اسامی تیم ملی فوتبال برای حضور در جام ملت آسیا، نمود بارزتری دارد میانگین سنی بالای بازیکنان است که زنگ خطر و هشدار جدی است. انتخاب بازیکنانی که در انتهای دوران بازی گری خود هستند قرار است چه دردی را از این تیم دوا کند، جز اینکه راه را بر فرصت بروز توانایی های بازیکنان جوان، بهره گیری از پتانسیل آنها و آبیودگی شان می بندد؟ هر نگاه منصفی می پذیرد که تیم ملی بر اساس واقعیت موجود تیم‌های حاضر در رقابت ها، شانس چندان حادقل روی کاغذ برای رسیدن به فینال بازی ها ندارد مگر اینکه اتفاق غیرمنتظره ای بیفتد یا احتمالات فوتبالی به سود ما رقم بخورد. پس چه ایرادی داشت که برخی بازیکنان جوان و آینده دار جایگزین پا به سن گذاشته هایی شوند که خواسته یا ناخواسته، این آخرین حضورشان در تیم ملی است و در همین آخرین حضور نیز معلوم نیست بازی بدان‌ها برسد یا بتوانند کمکی به تیم بنمایند؟ در میان بازیکنان اصلی موردنظر سرمربی نیز بازیکنان سنی هستند که شرایط سنی و عملکرد آنها در تیم های باشگاهی شان و بازی های قبلی تیم ملی، هشدار دهنده و ناامید کننده است!

قلعه‌نویی جوان گرایی و کشف استعدادها را وظیفه سرمربی تیم ملی ندانست، البته کشف استعداد کار سرمربی تیم ملی بزرگسالان هم نیست ولی جوان گرایی و میدان دادن به استعدادهای کشف شده وظیفه اوست و تغییر نسل کنونی نیز نیاز مبرم فوتبال ما. شاید برای تغییر نسل، برخی ابزار و شرایط برای او مهیا نبوده باشد ولی یکی از مهمترین آنها که به خودش بر می گردد؛ شجاعت شخص سرمربی است که آن نیز به علل: محتاط شدن قلعه‌نویی - که از اقتضانات بالا رفتن سن است - بیم نتیجه نگرفتن و فشار افکار عمومی و از دست دادن جایگاه کنونی به محاق رفت! اما نتیجه نگرفتن تیم ملی هم این نگرانی‌ها را برای قلعه‌نویی به همراه خواهد داشت، حتی شدیدتر. کاش قلعه‌نویی به جای ترس و نگرانی، جسورانه و امیدوارانه به تغییر نسل روی خوش نشان می داد تا خدمتی ماندگار به فوتبال ملی کرده باشد. تیم ملی با جوان تر شدن نه تنها ضرر نمی کرد بلکه به احتمال فراوان به لحاظ نتیجه گیری هم بهتر از تیم کنونی عمل می نمود.

اگر قلعه نویی، تصمیم شجاعانه و ماندگار مرحوم پرویز دهداری در سال ۱۳۶۵ که منجر به ظهور نسلی طلایی و منشا توفیقات بعدی فوتبال ملی ایران از جمله مقام سومی جام ملت‌ها در سال ۱۳۶۷ به رهبری مرحوم دهداری و قهرمانی بازی‌های آسیایی در سال ۱۳۶۹ به رهبری پروین شد و حتی اثرات آن تا ۲۲ سال بعد یعنی در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و کسب قهرمانی بازی های آسیایی ۱۳۷۷ با بازی‌های درخشان احمدرضا عابدزاده، نادر محمدخانی و جواد زرینچه در تیم ملی ادامه یافت را مرور و بازخوانی می کرد، شاید با شجاعت و درایت، تصمیم بهتر و شایسته تری در راستای وظیفه اش نسبت به فوتبال ملی می گرفت و جایگاه خود را نیز محکم تر می‌ساخت. فراموش نکنیم در سال ۱۳۶۵ تصمیم مرحوم دهداری با بی‌توجهی و مخالفت عمومی ناشی از کنار رفتن یک دو جین ستاره سرشناس زیر ۳۰ سال فوتبال ایران همراه بود ولی اکنون فضای عمومی جامعه فوتبال موافق و معتقد به لزوم جوان گرایی در تیم ملی است.

سخنگوی وزارت خارجه اعلام کرد

ایران رسماً عضو گروه بریکس شد

همکاری تخصصی و فنی با آژانس نیست.

وی تأکید کرد: فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح آمیز است و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد. از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دبیرکل این آژانس انتظار می‌رود اقدامات حرفه‌ای خودشان را دنبال کنند. از سیاست‌زدگی پرهیز کنند و اجازه دهند همکاری‌های سازنده ایران با آژانس به صورت حرفه‌ای، فنی و تخصصی در چارچوب هم موافقتنامه جامع پادمان و هم در چارچوب معاهده عدم اشاعه و نیز بیانیه‌ای که میان ایران و آژانس تنظیم و منتشر شده پیش برود.

در درباره ادعاهای آژانس و گمانه‌زنی‌ها و نگرانی‌هایی که از سوی اروپایی‌ها برای جلسه آتی شورای حکام وجود دارد گفت: به این سوال پاسخ نخواهم داد. گمانه‌زنی است و ما به استقبال گمانه‌زنی‌ها نمی‌رویم.

کنعانی همچنین در مورد مواضع اخیر روسیه در مسائل منطقه‌ای اظهار کرد: من پاسخگوی مواضع روسیه در مورد مسائل منطقه‌ای نیستم، روابط ایران و روسیه روابطی سازنده، رو به جلو و مبتنی بر مصالح و منافع دو کشور است و در مسیر توسعه مناسبات ایران با کشورهای همسایه و در چارچوب سیاست همسایگی و ارتقاء وضعیت همکاری‌ها با کشورهای مهم و مؤثر در منطقه است. همچنین شاهد گسترش روز افزون روابط ایران و روسیه در زمینه های مختلف بودیم که بر مبنای اراده سیاسی رهبران ۲ کشور و مبتنی بر توسعه منافع مشترک ۲ کشور است.

وی ادامه داد: کشورها در ارتباط با موضوعات مختلف دیدگاه‌های ملی و خواست خود و مبتنی بر منافع و مصالحی



مطرح شده از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: ما در این ارتباط اعلام موضع کرده و بارها نیز اعلام کردیم ایران به تمامی تعهدات خودش در چارچوب معاهده عدم اشاعه و موافقتنامه معاهده جامع پایبند بوده و هست و از زمان اجرای برجام تاکنون ایران در صدر لیست کشورهایی بوده و اندیشه او در منطقه تکثیر شده و نرم‌افزار مقاومت که آن شهید گرانقدر تولید و ترویج کرد، باقی است و اندیشه مقاومت هر روز جان تازه‌ای به خود می‌گیرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین درباره اظهارات اخیر

رئیسی در نشست با استانداران اعلام کرد

در انتخابات از هیچ نامزدی

حمایت نمی‌کنیم

صفحه ۴



سرمقاله

جلال‌خوش‌چهره



ارتش اسرائیل در دام جنگ چریکی

دولت اسرائیل گفته است؛ جنگ غزه در سال جدید میلادی همچنان ادامه خواهد یافت. این اعلام از آن رو است که نخست: ارتش اسرائیل به رغم گستردگی حملاتش به غزه با هدف سرنگونی یا تسلیم حماس براساس این اصل که وقتی هنوز اسلحه‌ای از جانب نیروی مقابل شلیک می‌شود، به معنی آن است که هیچ امتیازی را نمی‌توان به هیچ‌یک از طرف‌ها به عنوان برنده یا بازنده جنگ داد. سوم: اسرائیل با همه توان نظامی خود در یک جنگ کلاسیک، متعارف و خرابی‌های تحمیلی به غزه، حالا مجبور است تن به وضعی جدید دهد که نامش «جنگ چریکی» است. وضع تازه برای ارتش اسرائیل به مراتب سخت و جانکاه‌تر از دو ماه و اندی گذشته خواهد بود که در جنگی نابرابر از زمین، هوا و دریا ، غزه و مردم بی‌دفاع آن را مورد حمله قرار داده است. برد و باخت در این مرحله از جنگ هرگز در دسترس نخواهد بود؛ حتی اگر از حمایت بزرگترین ارتش‌های جهان و مدرن‌ترین سلاح‌ها برخوردار باشد. تجربه ارتش‌های ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق در ویتنام و افغانستان مصداق مدعایی است که می‌گوید: ورود به جنگ چریکی مانند تن دادن به قماری است که اگر یک وجه آن برد باشد، وجه دیگرش باخت است.

ممکن است در نقد مدعای بالا گفته شود که اصولاً جغرافیای ویتنام پر از جنگل و کوه و کشور کوهستانی افغانستان، موقعیت‌های متفاوتی از غزه داشتند که دو ارتش بزرگ آمریکایی و روس را سرنجام وادار به عقب نشینی و مصالحه با ارتش‌های چریکی کرد.

ادامه در صفحه ۲

نیویورک تایمز گزارش داد

قطع کمک آمریکا به اسرائیل توهم است

را به این شدت در بوته آزمون قرار نداده بود. دیپلماسی پیچیده بین واشنگتن و تل‌آویو از زمانی که حماس ۱۲۰۰ صهیونیست را کشت و ۲۴۰ نفر دیگر را به اسارت گرفت در تعامل مستقیم بین سران دو طرف و بین آژانس‌های اطلاعاتی و امنیتی دو طرف انجام شده است.

تصمیم بایدن برای سفر به اراضی اشغالی جای خود را به تماس‌های تلفنی خسته‌کننده، نظرات تند عمومی و جلسات طولانی و طاقت‌فرسا داده است. این رابطه به طور فزاینده‌ای بدتر شده چون بایدن بیش از هر موضوع دیگری در سه سال ریاست جمهوری، خود را درگیر این مناقشه کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا و تیشمش بارها و بارها مداخله کرده‌اند تا رژیم صهیونیستی را از آنچه که آن‌ها «افراط در انتقام‌جویی» می‌دانند، دور کنند آن هم برای اینکه صهیونیست‌ها در لحظات حساس از آن‌ها سرپیچی کرده‌اند.

بایدن شاهد مقاومت فزاینده داخلی در برابر حمایت‌هایش از رژیم صهیونیستی بوده که شامل نامه‌های متعدد از دیپلمات‌های وزارت خارجه می‌شود. در ماه نوامبر، بیش از ۵۰۰ تن از کارمندان سیاسی و نمایندگان از حدود ۴۰ سازمان دولتی نامه‌ای به بایدن در اعتراض به حمایت او از جنگ رژیم صهیونیستی در غزه ارسال کردند.

دموکرات‌های کنگره او را برای مهار حمله این رژیم تحت فشار قرار داده‌اند و ایالات

متحده خود را در تضاد با کشورهای دیگر در سازمان ملل دیده است.

به گزارش ایسنا در ادامه این مطلب آمده است: به نظر می‌رسد که با فرا رسیدن سال جدید میلادی، این تنش‌ها در حال افزایش است. تیم بایدن تشخیص می‌دهد که چالش او فقط «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیست، چون اسرائیلی‌ها در سراسر جهان از عملیات نظامی حمایت می‌کنند که به گفته وزارت بهداشت غزه بیش از ۲۰ هزار شهید برجای

که تشخیص می‌دهند، دارند، البته مواردی هست که ایران دیدگاه خود را دارد، روسیه یا هر دولتی که خارج از منطقه باشد با او کار می‌کنیم نیز ممکن است دیدگاه خود را داشته باشد و این مساله امری طبیعی و شناخته شده است، مادامی که روابط میان کشورها براساس احترام و منافع مشترک شکل بگیرد قابلیت توسعه دارد و اختلاف نظرهای مادامی که مغل روابط نباشد می تواند امری پذیرفته باشد .

سخنگوی وزارت امور خارجه در مورد اظهارات روسیه مرتبط با جزایر سه‌گانه نیز گفت: جزایر سه گانه همیشه ایران، موضوعی است که در این ارتباط موضوع رسمی صریح خودمان را اعلام کردیم و در گفت‌وگو با مقامات روسیه و وزیر خارجه آن دیدگاه صریح ایران مطرح شد، بنابراین روابط سازنده و قوی ایران و روسیه مانع از آن نیست که مواضع اصولی خود را مطرح نکنیم یا درمورد دیگر موضوعات منطقه ای هم ما مواضع خود را صریح و شفاف اعلام کرده و می‌کنیم.

کنعانی همچنین درباره همکاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز ابراز کرد: تقویت همکاری‌ها با اتحادیه اقتصادی اوراسیا جزو اهداف و برنامه‌های ایران بوده و این همکاری‌ها کاملاً رو به جلو است. دوره اجرائی توافق موفق اجرائی برنامه تجارت آزاد را با مجموعه گروه اقتصادی اوراسیا داشتیم و شاهد افزایش ارتقاء همکاری‌های ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا خواهیم بود.

سخنگوی وزارت امور خارجه در مورد وضعیت جنگ روسیه و اوکراین نیز گفت: معتقدیم آنچه به وضع موجود پایان می‌بخشد راهکار سیاسی است و ایران از پایان یافتن جنگ از طریق راهکار سیاسی استقبال می‌کند.

گذاشته است. اما هیچ بحث جدی در داخل دولت درباره تغییر معنادر در سیاست، مانند قطع ارائه تسلیحات به اسرائیل وجود ندارد و به‌جای آن بایدن همچنان مصمم است تا با استفاده از اعتباری که از طریق حمایت ثابت از اسرائیل به دست آورده، بحران را در درون بحران هدایت کند، اگرچه مشخص نیست که چه میزان نفوذی به او می‌دهد.

جدی‌ترین مناقشه بین واشنگتن و تل‌آویو یک روز پس از مطرح شدن این پرسش ایجاد شد که «پس از پایان جنگ در غزه چه کنیم؟» نتانیاهو در برابر پیشنهادات بایدن مبنی بر اینکه یک تشکیلات خودگردان فلسطینی «احیا شده» که در کرانه باختری مستقر است، غزه پس از حماس را اداره می‌کند تا در نهایت تشکیل یک کشور فلسطینی را دنبال کند، مقاومت کرده است.

با این حال مکالمه‌های اخیر بین نتانیاهو و بایدن بیش از پیش پرتنش شده است. مقام‌ها می‌گویند تمامی مکالمات پرتنش و برخی اوقات متشنج بوده‌اند. به عنوان مثال ۲ نفر از منابع که خواستند نامشان فاش نشود گفته‌اند که لحن گویش دو طرف در مکالمات به این صورت بوده است: «ببین، مرد، باید در این باره کار بیشتری انجام بدهی یا این را جدی بگیریم».

نیویورکتایمز نوشته است: با وجود همه این اختلاف‌نظرها، هیچ بحث جدی در دولت بایدن در مورد قطع ارتباط با اسرائیل یا ایجاد شرایط برای کمک‌های امنیتی وجود ندارد.

روز جمعه، سه روز پس از نشست درمر، وزارت امور خارجه با ارسال ۱۴۷.۵ میلیون دلار گلوله‌های توپخانه ۱۵۵میلیمتری و تجهیزات مرتبط، با استناد به قوانین اضطراری برای دور زدن بررسی‌کنگره برای بار دوم موافقت کرد؛ اقدامی که بار دیگر خشم قانونگذاران دموکرات را برانگیخت.